

بازنگری مسیر مهاجرت سکاها بر اساس نامهای جغرافیایی با استفاده از نرم افزار Arc GIS

اشرف ثنایی قهی^۱، مریم ثنایی قهی^۲

۱- کارشناس ارشد باستان شناسی، مربی، گروه مدیریت جهانگردی، دانشگاه پیام نور قرچک،

sanaeister@gmail.com

۲- کارشناس کارتوگرافی، دانش آموخته دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران،

maryam.lonelypoet@gmail.com

چکیده

سکاها شاخه ای از آریاییها بودند که در هزاره ی اول پ.م در شمال غرب ایران، قسمتهایی از آسیای مرکزی و قفقاز زندگی می کردند. در زمان پارتیان از افغانستان به جنوب شرقی ایران وارد شدند. هدف از این مقاله پاسخ به این پرسش است که آیا سکاها به جز شرق از راه دیگری هم وارد ایران شده اند یا خیر؟ این مقاله بر اساس مطالعه ی نامهای جغرافیایی (توپونیم) نشان می دهد که گروهی از سکاها در نواحی مختلف ایران ساکن بودند و پراکندگی آبادیهایی سکایی را بر روی نقشه های تولید شده در محیط Arc GIS نشان می دهد. ضمناً با مطالعات آماری روشن می کند که مکانهای مسکون توسط سکاها در غرب و شمال غربی بیش از نقاط دیگر ایران است و نتیجه می گیرد که احتمالاً سکاها از غرب هم وارد ایران شده اند و تا فلات مرکزی پیش رفته اند. شاید شاخه ی شرقی را دها و شاخه ی غربی را سکا می گفتند.

واژه های کلیدی: ایران، سکا، مطالعه ی نامهای جغرافیایی (توپونیم)، Arc GIS

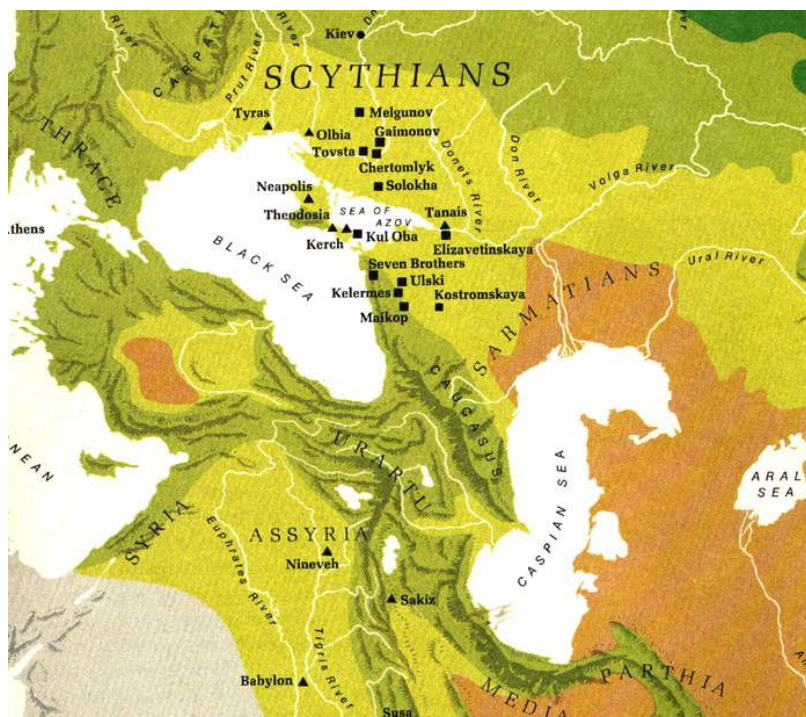
۱- مقدمه

مطالعه ی نامهای جغرافیایی (توپونیم) می تواند تاریخ سکونت در یک منطقه، الگوهای جغرافیایی و شیوه های معیشتی یک جامعه را نشان دهد. نام مکانها گاهی از نام قومهای ساکن در آن محل گرفته می شود چنانکه نام قزوین و دریای خزر از قوم کاسی و خزر گرفته شده است. یکی از اقوامی که وارد ایران شد و نام خود را بر برخی از مکانهای این سرزمین باقی نهاد سکاها بودند.

سکاها مردمی بیابانگرد و شاخه ای از آریایی ها بودند که در هزاره ی اول پیش از میلاد از آسیای مرکزی و قفقاز به نقاط دیگر جهان کوچیدند [۱۰]. در جریان مهاجرتها ی خود از شمال به جنوب قلمروهای وسیعی را اشغال کردند و تمدنهای بسیاری را از بین بردند و به شاخه های مختلف تقسیم شدند. آنها به قدرت جنگندگی خود متکی بودند و بهترین سوارکاران جهان باستان بودند.

آنها در قرن هفتم و هشتم پیش از میلاد قلمرو سیمیریا که از قفقاز تا دشتهای شمالی دریای سیاه گسترده بود را تصرف کردند و بر مناطقی از غرب ایران تا سوریه و مصر حاکم شدند [۱۱] (نقشه شماره ۱).

نقشه شماره ۱: قلمرو سکاها در قرن هفتم پ.م [۱۲]



سکاها در روزگار مادها بارها به مرزهای ایران تاختند. آن‌ها گاه با آشور هم‌پیمان می‌شدند و زمانی به همراه مادها با آشوریان می‌جنگیدند. هرودوت از تهاجم سکاها به ایران در دوران هخامنشیه مادی یاد کرده؛ از تاخت و تاز و غارت‌های آنان در کتاب ارمیا از کتب مذهبی یهودیان نیز یاد شده‌است. چند سال بعد هخامنشیه با کشتن رهبران آنان موفق به شکست‌شان شد [۱]. هخامنشیه پس از انقیاد سکاها در ماد، گروهی از سکاها را به غرب ماد کوچاند و این سرزمین را به نام آنان سکزی یا ساگز نامیده شد که اکنون به سقز معروف است.

در اوایل دوران هخامنشیان درگیری‌های مرزی با سکاها ادامه داشت. در یکی از همین درگیری‌ها، کوروش بزرگ، بنیان‌گذار هخامنشیان در نبرد با گروهی از سکاها در خاوری به نام ماساژتها در منطقه خیوه به سال ۵۲۹ پیش از میلاد کشته شد. بعدها داریوش بزرگ، دیگر پادشاه هخامنشی در سال ۵۱۴-۵۱۲ پ.م برای تنبیه سکاها تا مرکز اروپا و حدود مولداوی امروزی پیشروی کرد. هرودوت نقل می‌کند که سکاها از راهکار کوچ نشینان استفاده نمودند و در عوض رویارویی و جنگیدن با سپاه هخامنشی، گریختند و سپاه داریوش را تا داخل اعماق سرزمین‌های وحشی کشاندند. هرچند لشکرکشی داریوش نتوانست سکاها را زیر یوغ هخامنشیان درآورد ولی آسیای غربی را برای سه قرن از حملات چادر نشینان سکایی در امان نگاه داشت.

در زمان اشکانیان و در حدود اواخر قرن دوم پیش از میلاد سکاها در کوچ‌نشین در مرزهای شرقی اشکانیان پیشروی کردند و نواحی قندهار و سیستان امروزی را تسخیر نمودند. سکاها از آنجا به کابل و پنجاب نیز نفوذ کردند. تسخیر سیستان دائمی بود، چنانچه نام سیستان در واقع به نام این اقوام برمی‌گردد. در طول قرن اول پیش از میلاد سکاها از شمال دریای سیاه تا غرب چین گسترده شده بودند. (نقشه ی شماره ۲) و در این دوران مشکلات بزرگی برای اشکانیان بوجود آوردند و اشکانیان را تا سراسیابی سقوط پیش بردند [۸].

نقشه شماره ۲: قلمرو سکاها در قرن هفتم پ.م [۸]



باستان شناسان بر اساس شواهد باستان شناختی سه دوره را در تاریخ سکاهای مشخص کرده اند:

دوره ی اول که دوره ی شکل گیری قوم بزرگ سکایی است و از قرن نهم تا اواسط قرن هفتم پ. م را در بر می گیرد.

دوره ی دوم در طول قرن هفتم و ششم پ. م سکاهای اولیه شکل گرفتند و دوره ی سوم از قرن پنجم تا قرن چهارم پ. م است که سکاهای به صورت منسجم شکل گرفتند [۶].

۲- سکاهای در متون کهن

متون هندی قدیم، پارسی باستان و یونانی به قوم سکا اشاره کرده که در دوره ی امپراتوری هخامنشی در استپهای میان دنیپر و رودخانه ی دانوب زندگی می کردند. آشکار نیست سکاهای خود را به چه نامی می نامیدند، اما گمان قوی می رود که اسم آنها همان سَک یا سَکا یا چیزی نزدیک به آن بوده است؛ چرا که نامهایی که توسط اقوام مختلف در نقاط مختلف دنیا در اشاره به آنان به کار می رفته، همگی مشابه هستند. این نامها عبارتند از: سکا (Saka)، شکا (Shaka)، سکایی (Sakai)، سَکه (Sacae)، سیث (Scyth)، سیثی (Scythi)، سیثیا (Scythia)، سیثایی (Scythae)، سیثیایی (Scythiae)، سیثس (Scythes)، سیثیا (Sythia)، اسکیتیایی (Skityai)، اسکوتای (Skuthai)، اسکیتای (Skythai)، اسکیتیا (Skythia)، اسکیتیا (Scythia)، سینثیا (Scynthia)، سینثیوس (Scynthius)، اسکلاونی (Sclaveni)، اسکولوتی (Scoloti)، اسکودیای (Skodiai)، اسکوتی (Scotti)، اسکولوتی (Skoloti)، اسکث ای (Skoth-ai)، اسکث ا (Skuth-a)، اسکث (Skoth)، اسکوش (Skuthes)، اسکوزا (Askuzai)، اسکوزای (Asguzai)، اسکواسا (Askusasa)، ایشکوزای (Iskuzai) [۱۱]. در ضمن به نظر می رسد نامهای سک، سگ، سکو، اسکو، سَک، سَکا تغییر یافته ی نام قوم سکا باشد.

بیشترین اطلاعاتی که از سکاهای به دست آمده است از کتاب تاریخ هرودوت که خود قلمرو وسیعشان را دیده به دست آمده است. آنها در نوشته های هرودوت موسوم به سکیت هستند. این نام از این جهت به این مردمان داده شده بود که سکیت در زبان یونانی به معنای پیاله است و این افراد همیشه پیاله ای با خود داشتند. هرودوت سکاهای را به دو شاخه ی غربی و شرقی تقسیم می کند و اشاره می کند که سکاهای غربی اسکیت و سکاهای شرقی سَکه (Sacae) نامیده می شدند. کلمه ی یونانی "اسکیتس" (Skythēs) احتمالاً از کلمه ی "اسکوزا" که قدیمی تر است

مشتق شده است. هرودوت می‌افزاید که سکا‌های اروپایی خود را سکوتس (Secolotes) می‌نامیدند [۷]. همین کلمه در زبان‌های اروپایی به سیت (Scythe) تبدیل شده‌است. امروزه در زبان انگلیسی به از آنها با نام "اسکیث" یاد می‌شود. در منابع آمده است که در دوره ای از تاریخ، سکاها خود را "اسکودات" یا "اسکودا" می‌نامیدند که به معنای کمان و کمان دار است. حسن پیر نیا می‌نویسد: سکاها خود را "اسکلتس" می‌نامیدند که بعدها به سیث تبدیل شد که در زبانهای اروپایی برای قوم سکا به کار می‌رود [۱۱]. قبیله ی اصلی و شاهی سکاها که بخش وسیعی از دنیای باستان را اشغال کرده بودند، خود را سکولوتی (Skolotoi) می‌نامیدند.

سکاها در زبان آشوری اشکوز (Ashkuz)، خومری (Khumri) و گیمیری (Gimirri) نامیده می‌شدند. رومیان باستان نام آنها را از زبان یونان قدیم گرفته و آنها را سیثای (Scythae) می‌خواندند. آنها مردان سکایی را سیثا (Scytha) یا سیثس (Scythes) و زنان سکایی را سیثیس (Scythis) یا سیثیسا (Scythissa) می‌نامیدند. در زبان چینی امروزه آنها سای (Sai) نامیده می‌شوند اما احتمال دارد در گذشته سک (Sek) به کار می‌رفته که از کلمه ی سک (Sak) مشتق شده که جغرافیدانان مسلمان آن را برای سکاها به کار برده اند. نظریه ای وجود دارد که می‌گوید کلمه ی سک از کلمه ی اشکناز (Ashkenaz) یهودی مشتق شده است و این کلمه از کلمه ی اشکوز (Ashkuz) که بدون شک آکادیه‌ها سکاها را با آن می‌نامیدند، گرفته شده است [۹].

پارسیان و هندی‌ها آنان را سکا می‌نامیدند [۶]. آن چنان که در کتیبه‌های هخامنشی نگاشته شده؛ سک یا سکا نامی است که در زبان پارسی باستان برای سکا‌هایی که از طرف آسیای میانه با ایرانیان سروکار داشتند، به کار رفته است. سنگ‌نبشته ی هخامنشی بیستون، از چهار دسته سکا یاد کرده است:

سکا (پَرَدَرایه/داه‌ا) (Dahā (= Sakā paradraya)/Dahae) سکا‌های آن سوی دریا: کریمه، دانوب

سکا (تیگره‌خوده/ماساژت‌ها) (Sakā tigraxaudā/Massagetae) سکا‌های تیزخود، سکا‌های ماورای سیحون

سکا (هئومه‌ورگه/امیرجیان‌ها) (Sakā haumavargā/Amyrgians) سکا‌های هوم‌نوش، سکا‌های ماورای جیحون

سکا (پَرَسوگوذَم) (Sakā para Sugudam) سکا‌های آن سوی سغد [۱۳].

گروه‌های دیگر سکا که در حاشیه ی دریای خزر پراکنده بودند "دها" یا "داهی" خوانده می‌شدند.

در فرهنگ شاهنامه، زیر واژه ی سگسار آمده‌است: "از مرز و بوم‌هایی که داهیان در آن جای گرفتند." و راجع به داهیان زیر کلمه ی سکزی می‌خوانیم: "داه گروهی بودند از آرین، که در دشت خوارزم جای گرفتند و پس از آن

در کنار جنوبی دریای خزر جایگیر شدند. از آنان مردم بستوه آمدند. پادشاه ایران گروه داه را پراکنده ساخت. یک دسته از آنان را به زابلستان کوچانید و آنان را سکزی خواندند و دشت خوارزم داهستان نامیده شد که مخفف آن دهستان است و اکنون به دهستان معروف است و یکدسته از گروه داه را در زمینی جای دادند در طبرستان...[۲]" به این ترتیب می‌توان گفت سنگسر که در نواحی جنوبی دریای خزر قرار دارد و امروزه به مهدی‌شهر معروف است، جزئی از سگسار باستانی است و سنگسری‌ها از بازماندگان داهیان و با مردم سیستان (سجستان) و خوارزمیان قدیم از یک نژاد می‌باشند و نیز نام سنگسر از نام همین قوم و واژه ی سگسار گرفته شده است.

۳- سکاهای ایرانی

مهمترین مکانی که در ایران آثار سکایی از آن یافت شده، زیویه نزدیک شهر سقز در کردستان است. گیرشمن می‌نویسد: "سکاها در زمان اشغال ایران، سَقَز، ناحیه‌ای از کردستان را پایتخت خود قرار دادند. چنانکه اثری از ایشان در آن حوالی پیدا شده و گویند که نام سقز، مشتق از اسم سکا است[۱]". مجموعه‌ای که تحت عنوان گنجینه ی زیویه شناخته شده در یک قلعه به همین نام در سال ۱۹۴۷ توسط یک چوپان یافت شد. این گنجینه شامل گردنبندها، دستبندها، گوشواره‌ها، پلاکهای تزیینی و زین و یراق اسب از جنس طلا، نقره و عاج بود که به سبک هنری سکایی ساخته شده بود. قلعه بر اساس معماری مانایی ساخته شده بود که بعد ها توسط سکاها اشغال شده بوده است. گیرشمن اعتقاد دارد که گنجینه ی زیویه متعلق به یک پادشاه سکایی بوده است[۴].

۴- سکاهای ایرانی و نامهای جغرافیایی

این مقاله سعی دارد بر اساس مطالعه ی نامهای جغرافیایی مکانها که ماخوذ از نام سکاهاست، مسیر حرکت و مهاجرت این قوم در داخل ایران را بررسی کند. این مطالعه بر روی دو دسته از نامهایی که به قوم سکا مربوط است انجام شده است: یکی نامهایی که به نوعی از کلمه ی سکا گرفته شده و دیگری نامهایی که بر اساس کلمه ی دها ساخته شده است. چون همان طور که قبلا ذکر شد هم در کتیبه ی بیستون و هم در فرهنگ شاهنامه داه، داهها، دها یا دهائه (Dahae) نام شاخه ای از سکاهاست.

نام همه ی مکانهای جغرافیایی و آوانگاری آنها از قدیمی ترین کتاب فرهنگ آبادیها، که در سال ۱۳۳۹ چاپ شده استخراج شده تا بتوان از روی نامهای رایج گذشته ارتباط نام مکانها را با قوم سکا بررسی نمود. در ضمن بعضی از مکانهایی که در این مقاله از آنها یاد شده، در حال حاضر ممکن است نابود شده و یا تغییر نام داده باشد.

۴-۱- نامهای مشتق از سکا

ابتدا نامهای مکانهایی که مشابه کلمه ی سکا و مشتقات آن هستند همراه با آوا نگاری آنها استخراج شد (جدول شماره ۱). این نامها از واژه های سَک / سکا، سَگ / سگا، سِکا / سِکا، سُک / سُکا و سِگ ساخته شده اند.

جدول شماره ۱: نام مکانهای مشابه کلمه ی سکا و مشتقات آن

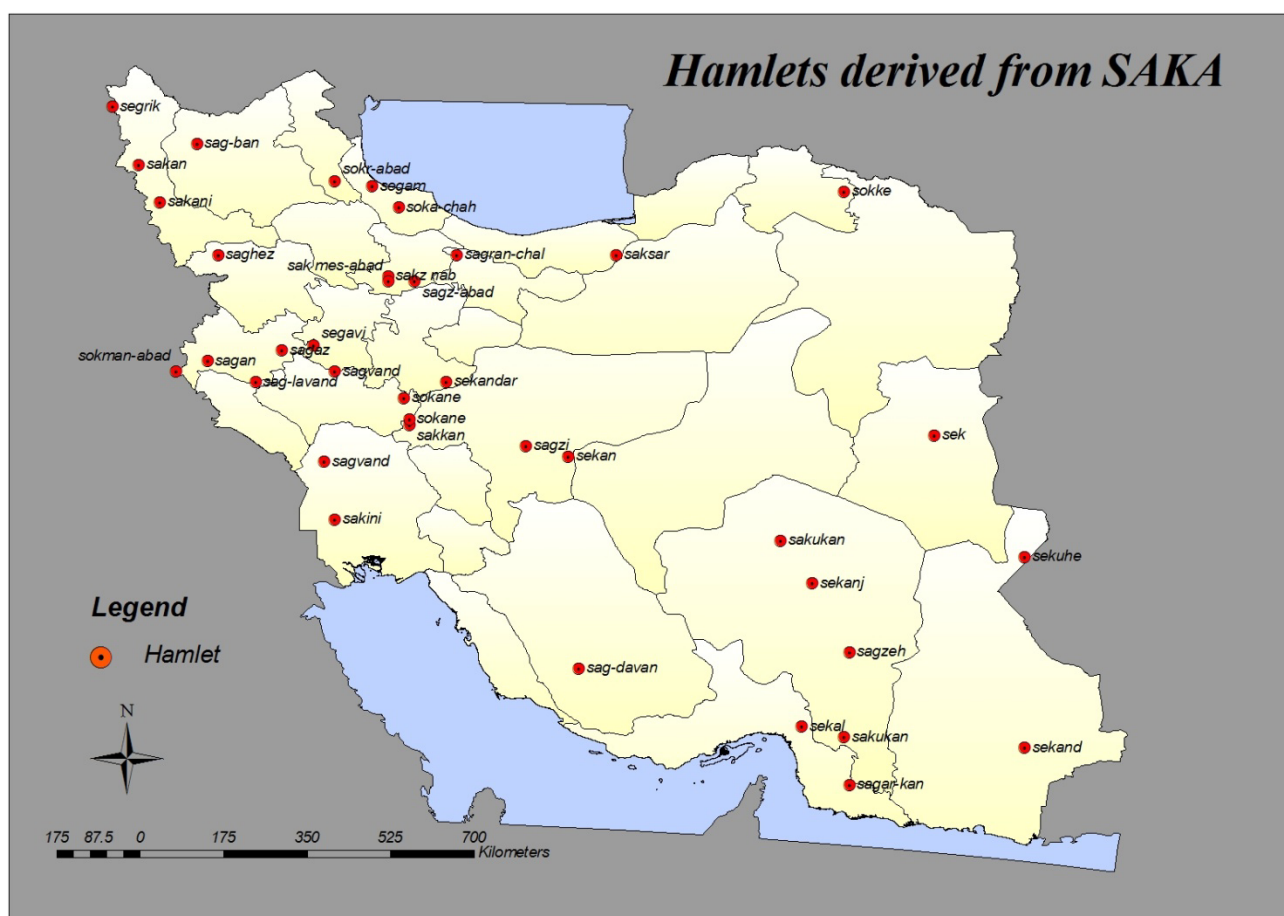
شماره	نام آبادی	آوانگاری
۱	سک	Sek
۲	سکا چاه	Sokâ-çâh
۳	سکّان	Sakkân
۴	سکان	sakân
۵	سکان	Sekân
۶	سکانه	sokâne
۷	سکانه	sokâne
۸	سکانی	sakâni
۹	سکر آباد	Sokr-âbâd
۱۰	سکز ناب	Sakz nâb
۱۱	سکل	Sekal
۱۲	سک مس آباد	Sak mes- âbâd
۱۳	سکنج	Sekanj

۱۴	سکند	Sekand
۱۵	سکندر	Sekandar
۱۶	سکوکان	Sakukân
۱۷	سکوکان	Sakukân
۱۸	سکوهه	Sekuhe
۱۹	سُکه	Sokke
۲۰	سکینی	Sakini
۲۱	سگاز	Sagâz
۲۲	سگام	Segâm
۲۳	سگان	Sagân
۲۴	سگاوی	Segâvi
۲۵	سگ بان	Sag-bân
۲۶	سگ دوان	Sag-davân
۲۷	سگران چال	Sagrân-çal
۲۸	سگرکن	Sagar-kan
۲۹	سگریک	Segrik
۳۰	سگزآباد	Sagz-âbâd
۳۱	سگزه	Sagzeh
۳۲	سگری	Sagzi
۳۳	سگ لوند	Sag-lavand
۳۴	سگوند	Sagvand
۳۵	سگوند	Sagvand

۳۶	سُکمن آباد	Sokman-âbâd
۳۷	سکسار	Saksâr
۳۸	سقز	Saqez

سپس با توجه به موقعیت جغرافیایی آنها نقشه ای در محیط Arc GIS تولید شد (نقشه شماره ۳).

نقشه شماره ۳: پراکندگی آبادیهایی که نام آنها از کلمه ی سکا گرفته شده است



مطالعات آماری این اسامی نشان می دهد که:

۱- ۳۴/۲۱ درصد از این نامها از کلمه ی سگ / سگا گرفته شده اند (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: نامهای مأخوذ از سگ / سگا

شماره	نام آبادی	آوانگاری
۱	سگاز	Sagâz
۲	سگان	Sagân
۳	سگ بان	Sag-bân
۴	سگ دوان	Sag-davân
۵	سگران چال	Sagran-çâl
۶	سگرکن	Sagar-kan
۷	سگزآباد	Sagz-âbâd
۸	سگزه	Sagzeh
۹	سگری	Sagzi
۱۰	سگ لوند	Sag-lavand
۱۱	سگوند	Sagvand
۱۲	سگوند	Sagvand
۱۳	سقز	Saqez

۲- ۲۳/۶۸ درصد از آنها از واژه ی سک / سکا ساخته شده اند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: نامهای مأخوذ از سک / سکا

آوانگاری	نام آبادی	شماره
Sakkân	سگان	۱
Sakân	سکان	۲
Sakâni	سکائی	۳
Sakz-nâb	سکز ناب	۴
Sakmes-âbâd	سک مس آباد	۵
Sakukân	سکوکان	۶
Sakukân	سکوکان	۷
Sakini	سکینی	۸
Saksâr	سکسار	۹

۳- ۱۸/۴۲ درصد از آنها از واژه ی سک / سکا گرفته شده اند (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: نامهای مأخوذ از سک / سکا

آوانگاری	نام آبادی	شماره
Sek	سک	۱
Sekân	سکان	۲
Sekal	سکل	۳
Sekanj	سکنج	۴
Sekand	سکند	۵
Sekandar	سکندر	۶
Sekuhe	سکوهه	۷

۴- ۱۵/۷۸ درصد از آنها از واژه ی سُک / سُکا مشتق شده اند (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: نامهای ماخوذ از سُک / سُکا

شماره	نام آبادی	آوانگاری
۱	سُکاچاه	Soka-çâh
۲	سکانه	Sokâne
۳	سکانه	Sokâne
۴	سکرآباد	Sokr-âbâd
۵	سُکه	Sokke
۶	سکمن آباد	Sokman-âbâd

۵- تنها ۷/۸۹ درصد از نامها از کلمه ی سِگ گرفته شده اند (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: نامهای ماخوذ از سِگ

شماره	نام آبادی	آوانگاری
۱	سگام	Segâm
۲	سگاوی	Segâvi
۳	سگریک	Segrik

همان طور که ملاحظه می شود نامهایی که از واژه ی سگ / سگا گرفته شده بیشترین میزان را در میان بقیه ی مشتقات کلمه ی سکا دارد و این می تواند به این دلیل باشد که کلمه ی "سگ" در زبان فارسی معنی دار است در حالیکه بقیه مشتقات کلمه ی سکا در فارسی بی معنی به نظر می رسد؛ بنابراین احتمالا بقیه ی مشتقات کلمه ی سکا و یا حتی خود کلمه ی سکا به سگ و سگا تغییر شکل پیدا کرده است.

علیرغم تصور عامه، نام مکانهایی که از سگ مشتق شده اند به حیوانی که به عنوان سگ می شناسیم ربطی ندارد. مثلا ناحیه ای در استان اصفهان نزدیک کوهپایه وجود دارد موسوم به سجزی. این شهرستان تا چند سال پیش

سِگری نام داشت و چون تصور عام بر این بود که سگری یعنی محل زیست سگ بنابراین معرب آن را استفاده می کنند و حتی تصمیم داشتند نام شهر را به اسلام آباد تغییر دهند. (در گویش اصفهانی سگ، سِگ گفته می شود). جالب این است که ایستگاه راه آهن این شهرستان که در حدود هشتاد سال پیش ساخته شده به نام ایستگاه سیستان نام گذاری شده است.

بعضی از جغرافیدانان و مورخان اشتباهات تصور کرده اند که نامهای مشتق از سگ به حیوان بر می گردد؛ به عنوان مثال درباره ی سگسار (شهری در شمال ایران که امروزه مهدی شهر نام دارد) گفته شده: مکانی که مردمش سری به شکل سگ دارند! در حالیکه بدون شک کلمه ی سگسار یا سکسار از نام سکا گرفته شده است [۲].

در متون تاریخی آمده است که در حدود ۱۵۰ پیش از میلاد گروهی از سکاهای افغانستان و ماوراءالنهر به سمت شرق و جنوب شرقی ایران کوچیدند و نام خود را بر بخشی از استان جنوب شرقی ایران باقی نهادند. این بخش در گذشته سکستان و امروزه سیستان نام دارد.

در کتابهای تاریخ سیستان آورده اند که نام این منطقه ابتدا سکستان بوده و بعد از ورود اعراب شکل معرب شده ی آن، سجستان، به کار می رفته است و سیستان شکل کوتاه شده ی کلمه ی سجستان یا سکستان است به معنی جایی که سکاهای زندگی می کنند. قبل از ورود سکاهای نام این منطقه "درنگیا" بوده است [۵]. پروفیسور هرتسفلد می نویسد: از ۵۵۰ پ.م تا ورود اسکندر به ایران سکاهای در ماورای سغد در فرغانه ساکن بودند. در حدود ۲۰۰ پ.م مردم آسیای مرکزی به آنها حمله می کنند و آنها مجبور می شوند به افغانستان، سند، پنجاب و شرق ایران کوچ کنند. بعضی از حجاریها و سنگ نوشته ها در هند و ایران مربوط به آنهاست [۵].

سگز یا سجز معادل سکستان است. نویسندگان فرهنگ شاهنامه ذیل کلمه ی سگری می نویسند: سگز کوهی در زابلستان است که محل زیست سگریان بوده است. بعضی می گویند که سگری یعنی سیستانی و معرب آن سجزی است. کوه سگز بین کیچ و مکران واقع شده و شایع است که رستم در قله ی این کوه به دنیا آمده است و به همین دلیل گروهی برای تحقیق کردن رستم به او سگری می گفتند [۲].

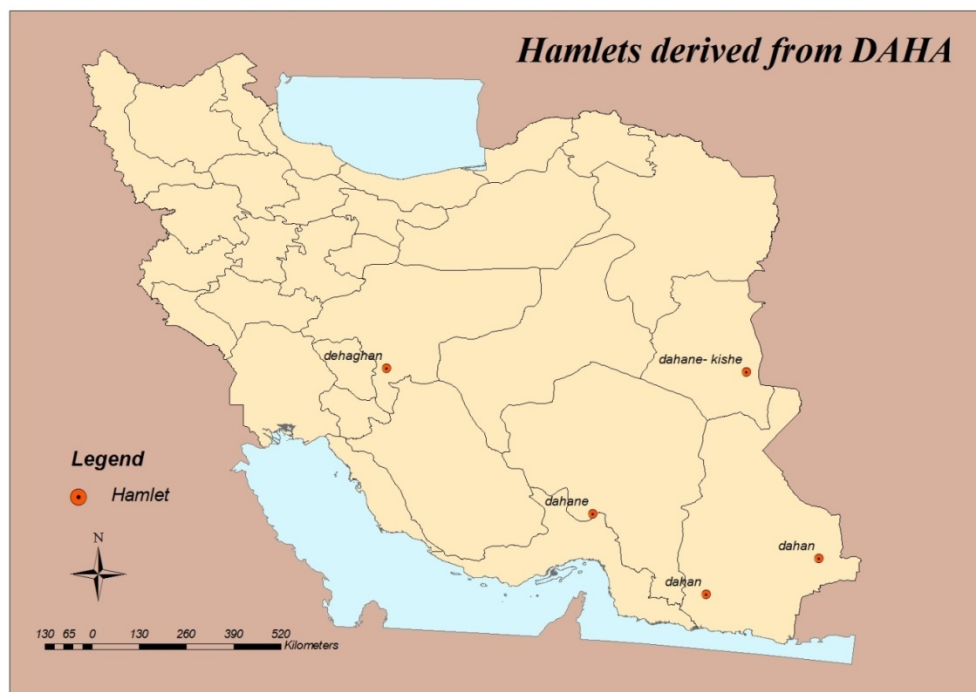
۲-۴- نامهای مشتق از دها

مانند نامهای ماخوذ از کلمه ی سکا و مشتقات آن، نامهای مشتق از دها هم از کتاب فرهنگ آبادیها استخراج شد (جدول شماره ۷) و نقشه ای در محیط Arc GIS در این زمینه تهیه شد (نقشه شماره ۵).

جدول شماره ۷: نامهای ماخوذ از دها

شماره	نام آبادی	آوانگاری
۱	دهان	Dahân
۲	دهان	Dahân
۳	دهانه کیشه	Dahâne-kice
۴	دهانه	Dahâne
۵	دهاقان	Dehâqan

نقشه شماره ۴: پراکندگی آبادیهایی که نامشان از کلمه ی دها مشتق شده است



به دلیل اینکه در فارسی کلمه ی ده به معنی روستاست و نام بسیاری از آبادیها از آن مشتق شده، ما

تنها نامهایی را استخراج کردیم که از دها گرفته شده اند و بقیه ی مشتقات آن را نادیده گرفتیم.

۵- پراکنش نام آبادیهای مشتق شده از کلمه ی سکا

همان طور که در نقشه ی شماره ۳ مشاهده می کنیم، نامهای مشتق شده از کلمه ی سکا بیشتر در غرب و شمال غربی ایران پراکنده اند. در حدود ۳۴/۲۱ درصد آنها در غرب و شمال غربی (جدول شماره ۸)، ۲۶/۳۱ درصد از آنها در شرق و جنوب شرقی (جدول شماره ۹)، ۲۶/۳۱ درصد در فلات مرکزی (جدول شماره ۱۰)، ۱۰/۵۲ درصد در شمال (جدول شماره ۱۱) و تنها ۲/۶۳ درصد در جنوب (جدول ۱۲) قرار دارند.

جدول شماره ۸: پراکندگی آبادیها با نام مأخوذ از سکا در غرب و شمال غربی ایران

شماره	نام آبادی	آوانگاری
۱	سگریک	Segrik
۲	سگ بان	Sag-bân
۳	سکان	Sakân
۴	سکانی	Sakâni
۵	سقر	Saqez
۶	سگان	Sagân
۷	سگ لوند	Sag-lavand
۸	سگاز	Sagâz
۹	سگاوی	Segâvi
۱۰	سگوند	Sagvand
۱۱	سگوند	Sagvand
۱۲	سکمن آباد	Sokman-âbâd
۱۳	سکینی	Sakini

جدول شماره ۹: پراکندگی آبادیها با نام ماخوذ از سکا در شرق و جنوب شرقی ایران

شماره	نام آبادی	آوانگاری
۱	سک	Sek
۲	سکال	Sekâl
۳	سکنج	Sekanj
۴	سکند	Sekand
۵	سکوکان	Sakukân
۶	سکوکان	Sakukân
۷	سکوهه	Sekuhe
۸	سکه	Sokke
۹	سگرکن	Sgar-kan
۱۰	سگزه	Sagzeh

جدول شماره ۱۰: پراکندگی آبادیها با نام مأخوذ از سکا در فلات مرکزی ایران

شماره	نام آبادی	آوانگاری
۱	سکّان	Sakkân
۲	سکان	Sekân
۳	سکانه	Sokâne
۴	سکانه	Sokâne
۵	سکز ناب	Sakz-nâb
۶	سکندر	Sekandar
۷	سگران چال	Sagrân-çal
۸	سگز آباد	Sagz-âbâd
۹	سگزی	Sagzi
۱۰	سک مس آباد	Sakmes-âbâd

جدول شماره ۱۱: پراکندگی آبادیها با نام مأخوذ از سکا در شمال ایران

شماره	نام آبادی	آوانگاری
۱	سکاچاه	Sokâ-çâh
۲	سکر آباد	Sokr-âbâd
۳	سگام	Segâm
۴	سکسار	Saksâr

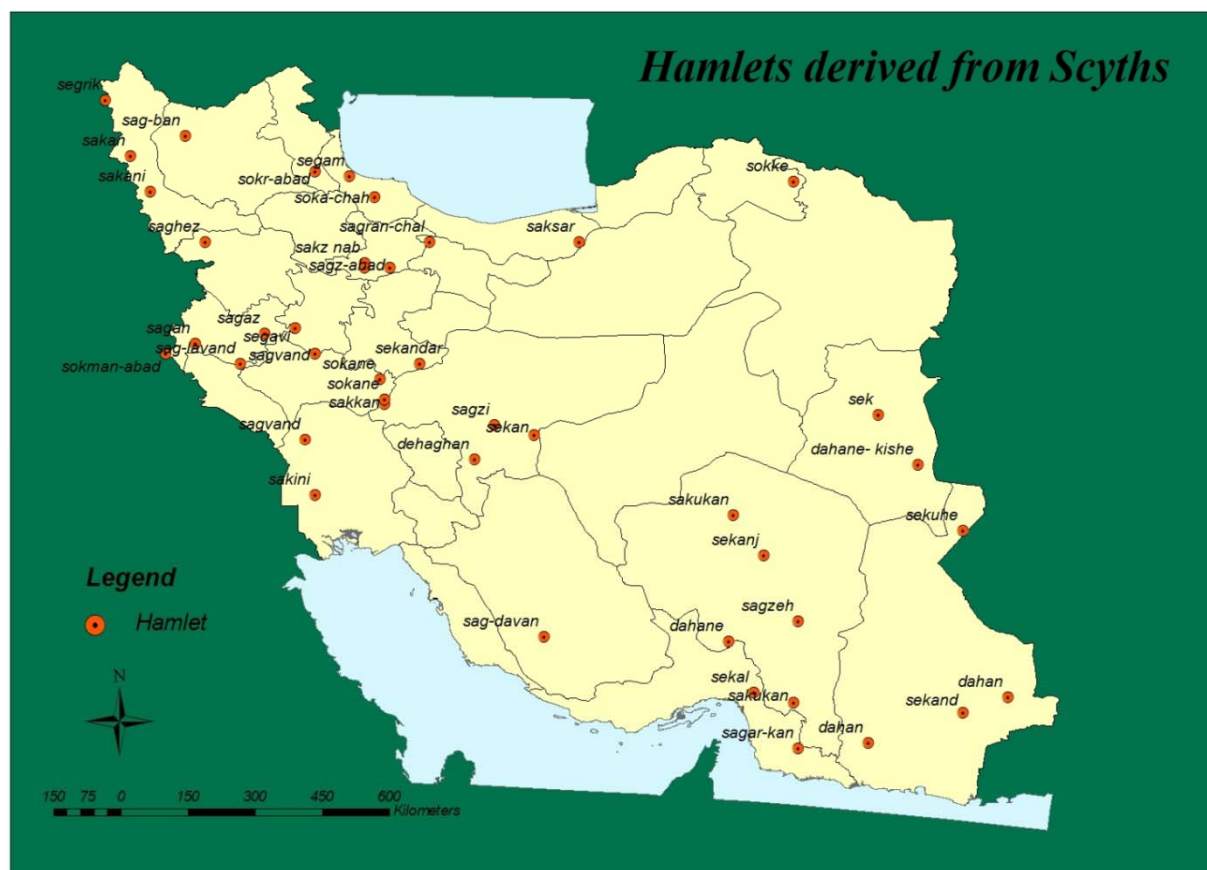
جدول شماره ۱۲: پراکندگی آبادیها با نام مأخوذ از سکا در جنوب ایران

شماره	نام آبادی	آوانگاری
۱	سگ دوان	Sag-davân

این مطالعات آماری به روشنی نشان می دهد که تمرکز آبادیهایی که نامشان مآخوذ از سکاست در غرب بیشتر از دیگر نقاط است و هرچه از غرب به شرق حرکت کنیم، از تعداد آبادیهایی که نام خود را از قوم سکا گرفته اند کاسته می شود. برعکس، آبادیهایی که نامشان از دها گرفته شده، تقریباً همگی در شرق و جنوب شرقی واقع شده اند (نقشه شماره ۴). با توجه به این نکته می توان گفت که شاید سکاها در ایران به دو شاخه ی غربی و شرقی تقسیم شده باشند و احتمالاً شاخه ی غربی نامی مآخوذ از کلمه ی سکا داشته و شاخه ی شرقی نامی گرفته شده از دها. تحقیقات بیشتر در زمینه ی نام شناسی، زبان شناسی، قوم شناسی و باستان شناسی ممکن است در آینده این فرضیه را به اثبات برساند.

نقشه ی شماره ۵ پراکندگی آبادیهایی که نامشان از قوم سکایی گرفته شده را در سرتاسر ایران نشان می دهد.

نقشه شماره ۵: پراکندگی آبادیهایی که نامشان از اقوام سکایی مشتق شده است

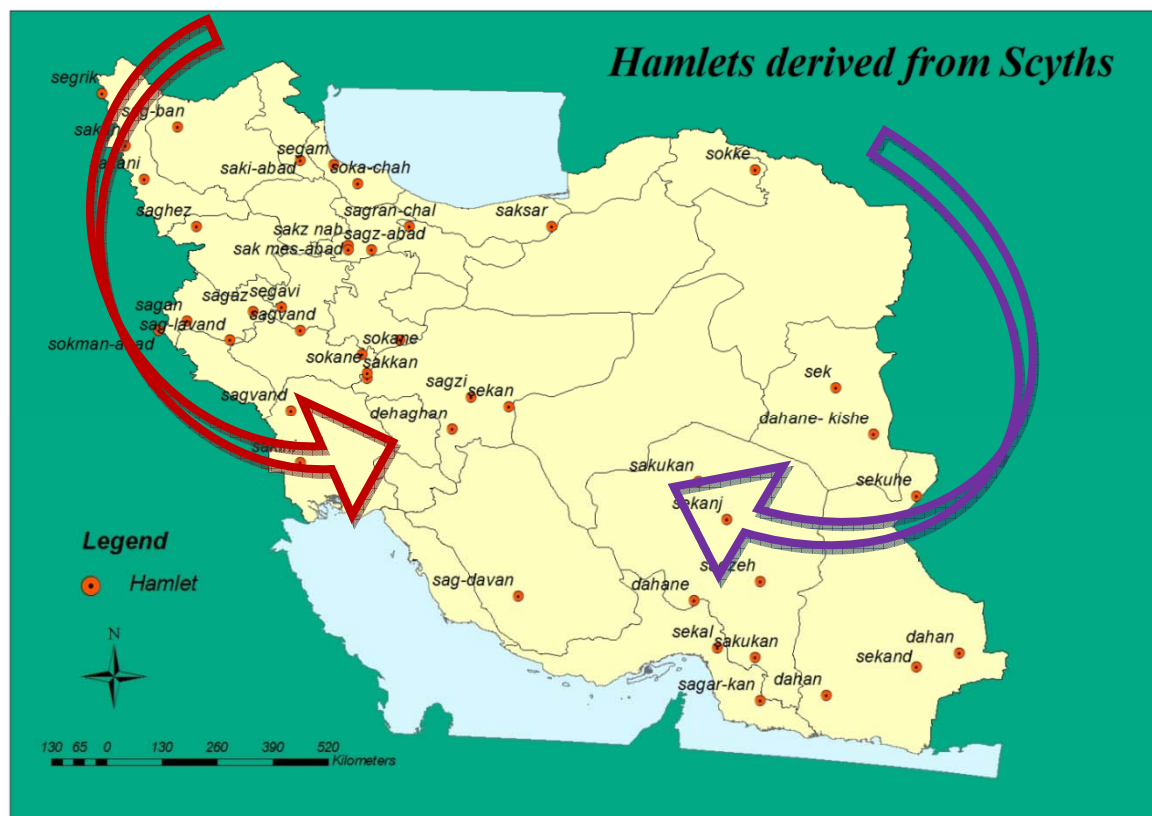


با دقت در این نقشه می توان نشان داد که سکاهای از دو مسیر مختلف وارد ایران شدند. مورخان و جغرافیدانان همواره به یکی از این مسیرها اشاره کرده و نوشته اند که سکاهای از حوزه ی آمودریا و سیردریا از راه افغانستان به جنوب شرقی ایران وارد شدند. آنها به هیچ عنوان اشاره ای به مسیر دوم مهاجرت سکاهای به داخل ایران نکرده اند در حالیکه مطالعات آماری پراکنش آبادیهای سکایی و مشاهده ی دقیق نقشه های نشانگر این است که سکاهای از شمال غربی هم وارد ایران شده و در مناطق داخلی ایران حتی فلات مرکزی ساکن شده بودند. کاوشهای باستان شناسی نشان داده که سکاهای از شمال دریای سیاه تا جنوب روسیه و غرب ایران گسترده بودند و عجیب نیست اگر گروهی از آنها از شمال غربی و غرب وارد مناطق داخلی تر ایران شده باشند. بر این اساس سکاهای از دو مسیر مهاجرتی وارد ایران شده اند:

۱- شاخه ی شرقی که احتمالا دهها نام داشته و از افغانستان به جنوب شرقی ایران کوچ کرده اند. چنانکه در متون تاریخی از آن یاد شده است.

۲- شاخه ی غربی که احتمالا سکا نام داشتند و از شمال غربی ایران وارد مناطق داخلی تر و فلات مرکزی ایران شدند. چنانکه این مقاله پراکنش آنها را در نقشه های متعدد نشان داده است (نقشه شماره ۶).

نقشه شماره ۶: دو مسیر ورود سکاهای به ایران



۶- نتیجه گیری

مطالعه‌ی نام مکانهای جغرافیایی در ایران نشان می‌دهد که سکاهای نه تنها در شمال غربی و جنوب شرقی ایران، بلکه در نواحی داخلی و فلات مرکزی ایران هم ساکن بوده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که شاخه‌ای از سکاهای از گوشه‌ی دریای خزر و شمال غربی به جنوب و جنوب شرقی کوچ کرده‌اند. همان طور که در نقشه‌ی شماره ۵ نشان داده ایم، می‌توانیم فرض کنیم که گروهی از سکاهای از غرب وارد جنوب شرقی شدند و در مسیر مهاجرت طولانی خود از مرکز ایران گذشته‌اند.

ضمناً با مقایسه‌ی پراکنش آبادیهایی که نام سکا دارند با آبادیهایی که نامشان از ده‌ها گرفته شده می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که سکاهای گروهی بودند که از غرب و شمال غربی وارد ایران شدند در حالیکه ده‌ها گروهی بودند که از شرق و شمال شرقی وارد ایران شدند. واضح است که مطالعه‌ی نامهای جغرافیایی نمی‌تواند تقدم و تاخر زمانی را نشان دهد؛ بر این اساس نمی‌توان گفت که کدام یک قبل از دیگری وارد ایران شده و کدام مسیرمهاجرت قدیمی تر است. روشن کردن این مهم منوط به کاوشهای باستان‌شناختی و مطالعه در حوزه‌های دیگر علوم است. این مقاله تنها روشنگر این است که سکاهای برای رسیدن به فلات مرکزی و جنوب شرقی ایران از دو مسیر استفاده کرده‌اند نه فقط یکی چنانکه در متون تاریخی ذکر شده است. ضمناً می‌تواند به باستان‌شناسانی که در مورد سکاهای بررسی‌های باستان‌شناختی و کاوش می‌پردازند کمک کند. چرا که بر این اساس، انتظار یافت آثار سکایی در مناطقی که نامهای ماخوذ از کلمه‌ی سکا دارند، بیش از مناطق دیگر است.

مراجع فارسی

- ۱- سرفراز، علی اکبر و فیروزمندی، بهمن، ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، ۱۳۷۴ انتشارات مارلیک، ص ۲۸
- ۲- شهیدی مازندرانی، حسین، فرهنگ شاهنامه، نام کسان و جایها، چاپ اول ۱۳۷۷ نشر بلخ وابسته به بنیاد نیشابور، صص ۳۹۹-۴۰۰
- ۳- مفخم پایان، لطف الله، فرهنگ آبادیهای ایران نامها و موقعیت جغرافیایی شهرها و آبادیهای کشور، ۱۳۳۹ انتشارات سازمان جغرافیایی کشور،
- ۴- واندنبرگ، لویی، ترجمه بهنام، عیسی، باستان شناسی ایران باستان، ۱۳۵۰ تهران، صص ۱۱۲-۱۱۳
- ۵- هرتسفلد، ارنست، (کنفرانس) ترجمه دفتری، مهین، شاهنامه و تاریخ، چاپ ۱۳۰۵، صص ۸-۹

مراجع لاتین

- 6 -A. Yu. Alekseev et al., *Chronology of Eurasian Scythian Antiquities*,
http://en.wikipedia.org/wiki/Scythians#cite_note-Szemer.C3.A9nyi-10
- 7-Herodotus.*History*.Book IV, verse 5
http://en.wikipedia.org/wiki/Scythians#cite_note-Szemer.C3.A9nyi-10
- 8- Kuhrt, Amélie, ed. *The Persian Empire: a Corpus of Sources of the Achaemenid Period*, Volume 1, 2007, p. 44, http://en.wikipedia.org/wiki/Scythians#cite_note-Szemer.C3.A9nyi-10
- 9- Strabo, *Geography*, 11.8.1 http://en.wikipedia.org/wiki/Scythians#cite_note-Szemer.C3.A9nyi-10
- 10- Szemerényi, Oswald, *Four old Iranian ethnic names: Scythian; Skudra; Sogdian; Saka*, in: *Sitzungsberichte der Österreichischen Akademie der Wissenschaften*, 371 Scripta minora, vol. 4, 1980, pp. 2051-93, Azagoshnasp.net
- 11- <http://www.cais-soas.com/CAIS/Anthropology/Scythian/introduction.htm>
- 12- http://en.wikipedia.org/wiki/Scythians#cite_note-Szemer.C3.A9nyi-10
- 13- <http://fa.wikipedia.org/wiki/سکاها> دانشنامه ایرانیکا، ساتراپی‌های هخامنشیان